



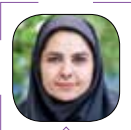
«ایده‌یابی رسانه‌ای و داستانی ثبت و ضبط اعمال» عنوان اثری است که به قلم محمد رضایی‌آذریانی به رشته تحریر درآمده و به همت اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما به چاپ رسیده است. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، اثر ایده‌یابی رسانه‌ای و داستانی ثبت و ضبط اعمال» به قلم محمد رضایی‌آذریانی،



گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده مجموعه مستند «پیشکسوتان دوبله و صدا»

# دیدار با صداهای ماندگار

بیش از نیم قرن است که هنر دوبله وارد ایران شده و به‌رغم مشکلات و مصائبی که اهالی این حرفه دارند، هنرمندان بسیاری با همه وجود تلاش کردند این هنر، زنده و پویا بماند. افرادی که در اتاق‌های تاریک دوبله دوش به دوش هم با عشق به نمایشگر مقابل‌شان زل می‌زنند و با همه احساس و علاقه به این حرفه دیالوگ می‌گویند، به این امید که علاقه‌مندان فیلم‌ها و سریال‌های خارجی از تماشای آنها با زبان مادری لذت ببرند. حالا در این میان عده‌ای هستند که علاقه‌مند شنیدن داستان‌های زندگی و حرفه‌ای این هنرمندان هستند. از این رو ابوالفضل توکلی یکی از مستندسازان کشور سال‌هاست که روی این موضوع متمرکز شده و مجموعه مستندی درباره پیشکسوتان دوبله و صدا را تهیه و کارگردانی کرده که در کنار شبکه مستند، از شبکه‌های دیگر هم پخش شده است. او در این مجموعه ارزشمند سراغ بسیاری از هنرمندان عرصه دوبله و صدا رفته که زندگی‌شان را وقف این حرفه کرده‌اند. توکلی همچنان مشغول ساخت مستندهای دیگری در خصوص سایر هنرمندان نیز هست که به همین دلیل جام جم با او درباره ساخت این مجموعه گفت و گو داشته که در ادامه می‌خوانید.



زینب علیپور طهرانی  
رسانه

## آقا جلال و مستر رابرت

سال ۱۳۹۴ بود که مستندی درباره آقای بهروز رضوی با عنوان «روزگار بهروز» ساختم که آن هم برای این بود که يك تصویر آرشیوی و قدیمی از ایشان دیدم و به شبکه مستند طرحی را ارائه دادم مبنی بر این‌که مستند پرتره بسازیم. اولی‌را به صورت تك قسمتی درباره آقای رضوی ساختم و بعد که مورد توجه و استقبال قرار گرفت، مجموعه‌ای را به نام «پیشکسوتان دوبله و صدا» آغاز کردم که مستند بعدی‌ام درباره آقای جلال مقامی به نام «آقا جلال و مستر رابرت» بود.



## روزهای ملی

با توجه به رویکرد ما در سری دوم این مجموعه در کنار هنرمندان دوبله و صدا به بازیگران پیشکسوت هم پرداخته‌ایم که یکی از آنها درباره آقای رضا فیاضی به نام «روزهای ملی» است. اما بهار سال گذشته هم مستندی درباره آرشاک قوкаسیان به نام «قصه‌های آرشاک» ساختم. ولی قرار شد خودمان را فقط محدود به هنرمندان دوبله و صدا نکنیم و سراغ بازیگران هم برویم که اولین مستند با این محوریت مربوط به آقای فیاضی است که روی شبکه مستند رفت. یکی از کارهایی که برای این عزیزان انجام می‌دادیم این بود که برای هر کدام از مستندها مراسم رونمایی و تقدیر از آن هنرمند می‌گرفتیم که به علت کرونا فعلا این مراسم متوقف شده است. اگر شرایط به‌زودی مهیا شود و واکسیناسیون روند تندتری داشته باشد، باز هم از این هنرمندان طی مراسمی قدردانی خواهیم کرد. البته شبکه‌ای فیلم فصل يك این مجموعه را در حال حاضر روی آنتن دارد.

## هنرمندان خاطره‌ساز



اولین معیار ما برای انتخاب هنرمندان و ساخت مستندی درباره آنها هنرشان است و این‌که برای مخاطبان خاطره ایجاد کرده باشند، خواه در حوزه صدا یا در کار بازیگری. مرحله بعدی که اجازه ساخت مستند را به ما بدهند و این‌که نوع همکاری‌شان با ما خیلی موثر است. به خودشان هم گفتم، «درصد من کارگردانی می‌کنم و ۵۰ درصد را هر کدام از هنرمندانی که سراغشان می‌رویم. به این دلیل که بتوانند در لوکیشن‌های مختلف کنار ما باشند و تنوع فضا ایجاد کنند که خیلی نکته مهمی است. چون نمی‌خواهیم ساختار مستندها گزارش‌گونه باشد و از این رو، نوع همکاری این دوستان خیلی در کار ما تاثیرگذار است.

## «ایده‌یابی رسانه‌ای و داستانی، ثبت و ضبط اعمال» منتشر شد

در اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه ملی به چاپ رسیده است.

در چکیده این اثر می‌خوانیم: بعد از توحید، معاد مهم‌ترین اصل اعتقادی است و در قرآن و روایات، مباحث مرتبط با جهان آخرت، حجم زیادی را به خود اختصاص داده است. اعتقاد به این مساله، آثار فراوانی در زندگی انسان‌ها بر جا می‌گذارد،

## یادگار ماندگار هنرمندان صدا

هدفم از ابتدا این بود که هر کدام از این مستندها یک فیلم مستقل باشد تا به نوعی سند ماندگاری از حضور این هنرمندان به یادگار بماند. به‌خصوص در هنر دوبله تا مردم بدانند هنرمندان در آن سال‌ها چه کارهایی برای دوبله انجام دادند و چه کسانی پایه‌گذار این هنر در کشور هستند. تلاشم بر این بود نکاتی را که عرض کردم در ساختار مستندها شکل بگیرد. به همین دلیل ساخت چنین کاری زمانبر است. ما باید منتظر بمانیم تا آن هنرمند برای کار دوبله دعوت شود و با او در استودیو و محل کارش همراه شویم و تعداد لوکیشن را در مستندها داشته باشیم. به هر حال باید هنرشان دیده شود. وقتی می‌گوییم این آقا هنرمند عرصه دوبلاژ است، باید بخشی از کارش را هم به مخاطب در فیلم نشان بدهیم. البته می‌توانیم منتظر نمایانیم در مصاحبه و در قالب گفت‌وگو به نتیجه برسیم، اما وقتی نتوانیم کارشان را نشان بدهیم،



زاده مهر، مستندی درباره ایرج رضایی

نقص بزرگی در فیلم دیده می‌شود و ما نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد. به عنوان مثال، هنرمند پیشکسوتی مثل آقای ایرج رضایی به خاطر کهولت سن مدت‌هاست کار دوبله انجام نمی‌دهد. ولی ما سعی کردیم به شکل دیگری، کارهای ماندگاری را که انجام داده‌اند به بیننده نشان بدهیم و بگوییم آقای رضایی یکی از هنرمندان دبلور سریال معروف «آتش سری» است.

## جلب اعتماد هنرمندان

اوایل تولید این مجموعه به دلیل این‌که هنرمندان شناخت زیادی از من نداشتند، سخت همکاری می‌کردند. از طرفی به قدری در برنامه‌های مختلف دعوت می‌شدند و سوالات تکراری از آنها پرسیده می‌شد که این مجموعه را هم تکراری می‌دیدند و تمایلی برای همکاری نشان نمی‌دادند. اما آقای جلال مقامی، اسطوره دوبله این افتخار را به من داد که در خدمت‌شان باشم. فیلم که ساخته و از آن رونمایی شد، هنرمندان دیگر متوجه شدند ساختار این مجموعه فرق می‌کند. بنابراین کم‌کم به من اطمینان کردند تا من و دوربینم وارد فضای خصوصی و زندگی‌شان بشویم و با هم گپ بزنیم. البته در این میان عده‌ای هم بودند که تمایلی به همکاری نداشتند و نمی‌خواستند درباره آنها فیلم ساخته شود.

## هنرمندان، سخت اعتماد می‌کنند



من هر قسمتی را که می‌سازم، با همه وجودم از کار لذت می‌برم. سعی هم کردم اعتماد هنرمندان را به خودم از دست ندهم. یعنی وقتی اجازه می‌دهند وارد حریم خصوصی‌شان شوم، فقط آنچه را که خودشان می‌خواهند در فیلم استفاده کنم. ضمن این‌که بعد از آماده‌شدن فیلم اول به خودشان نشان می‌دهم و تاییدیه را از خودشان می‌گیرم. به هر حال هنرمندان سخت اعتماد می‌کنند و این‌که من هم می‌خواهم یک فیلم ماندگار بسازم. به همین دلیل اول باید مورد تایید خودشان باشد. بعد کار را به شبکه ارائه می‌کنم. البته از خودشان هم ایده می‌گیرم. خاطرم هست این اواخر با آقای ملک‌آرایی برای ساخت فیلم‌شان به لاله‌زار رفتیم. هوا خیلی گرم بود و ایشان هم خسته شده بود و من باید بخشی را فیلمبرداری می‌کردم. ایشان می‌گفت این بخش به چه درد می‌خورد اما وقتی گفتم به من اعتماد کنید، پذیرفت و با وجود گرما و خستگی همکاری و همراهی کرد. منظورم این است که خوشبختانه با دیدن این فیلم‌ها اعتمادشان بیشتر جلب شده است.

## مستندسازی از زاویه نگاه مخاطب

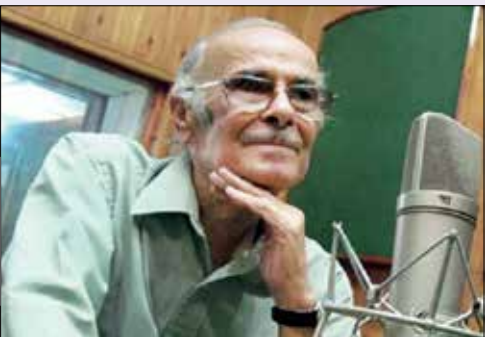


من در ساخت هر کدام از مستندها خودم را به جای بیننده می‌گذارم که ممکن است این فرد را نشناسد. بنابراین می‌خواهد شناخت بهتر و بیشتری از آن هنرمند پیدا کند. این‌که چند سال دارد و کجا به دنیا آمده و چطور وارد این حرفه شده و چه مسیری را طی کرده تا به اینجا رسیده و چه کارهایی انجام داده و چقدر نقش خانواده و حمایت آنها تاثیرگذار بوده است. بنابراین از این زاویه به کار نگاه می‌کنم. هم به زندگی شخصی آنها می‌پردازم و هم بخش حرفه‌ای و شغلی و حتی خاطراتی را که در آن سال‌ها داشتند مرور می‌کنیم. البته فکر می‌کنم ریتم کار برای مخاطب تلویزیون خیلی مهم است. اگر ریتم کند باشد ممکن است بیننده شبکه را عوض کند و از خیر دیدن آن برنامه بگذرد. من هم سعی کردم در این مجموعه و در حد توان به ریتم و تنوع لوکیشن اهمیت بیشتری بدهم.



## هنرمندانی که در میان ما نیستند

اصولاً من با این هدف شروع به ساخت این مجموعه کردم که درباره هنرمندان دوبله و صدا منبع موق و ماندگاری داشته باشیم تا نسل‌های بعد هم بتوانند با آنها بیشتر آشنا شوند. حتی به دلیل این‌که امکانش نیست از هنرمندان فوت شده فیلم با این ساختار بسازیم، در همین فیلم‌ها هم به بهانه‌های مختلف یادی از آنها می‌کنیم. به عنوان مثال آقای ناصر ممدوح در فیلمشان می‌گویند عطاء... کاملی من را وارد دوبله کرد. خب من می‌توانم به همین بهانه اشاره‌ای به آقای کاملی کنم. یا در فیلم خانم مهوش افشاری، ایشان اشاره‌ای به حضور آقای شایگان در دوبله کارتون «فوتبالیست‌ها» می‌کنند. به همین بهانه من در فیلم اشاره و یادی از آقای شایگان می‌کنم. یا این‌که وارد استودیوها که می‌شویم، اگر عکس و پوستری از فیلم یا هنرمند فوت شده باشد، باز هم تلاش می‌کنم یادی از آنها کنیم.



زنده یاد عطاء... کاملی

## خاطره با استاد

زمانی که ما می‌خواستیم مستند «زاده مهر» را با محوریت آقای ایرج رضایی بسازیم، متوجه شدیم ایشان در ۴۰۰۵۰ سال قبل در زمینه فیلمسازی هم فعالیت‌هایی داشته و حتی فیلمنامه هم نوشته‌اند. اما با فناوری روز فیلمسازی آشنایی نداشت. روز اولی که برای فیلمبرداری به روستای زادگاه‌شان رفته بودیم، بر بلندی ایستادیم و من از استاد خواستم نگاهشان را از سمت چپ به سمت دوربین ما بگردانند. ایشان پذیرفت اما بعد از شمردن من استاد این کار را انجام نداد. از استاد علتش را پرسیدم. گفت شما که هنوز دوربین‌تان را نیاورده‌اید. من با اشاره، دوربین هم‌کارم را نشان دادم. خیلی تعجب کرد و گفت زمان ما دوربین‌ها بزرگ‌تر و روی پایه‌ها بود و با صدایی که داشت ما متوجه می‌شدیم. من منتظر نبودم بروید و دوربین فیلمبرداری‌تان را بیاورید. فکر نمی‌کردم با این دوربین کوچکی که در دست همکارتان است بتوان فیلم ساخت. برای من نکته جذابش فناوری برای کسی بود که در نسل قدیم زندگی کرده و هنوز با تکنولوژی جدید آشنا نشده است. ¶

